

# استعانت از نماز و روزه



مدخل: درس شانزدهم کتاب دین و زندگی (۲) درباره‌ی چگونگی یاری گرفتن از نماز و روزه برای رسیدن به تقواست. متن زیر، کوششی است در این جهت؛ همراه با ذکر دو نمونه از سیره‌ی اهل بیت پیامبر (ص) که شما دبیران گرامی با آن دو داستان آشنا هستید.

می‌توانید از این متن در پایان درس استفاده کنید و از دانش‌آموزان بخواهید که آن دو داستان را بیشتر توضیح دهند یا خودتان برای آن‌ها توضیح دهید و ارتباط آن‌ها را با هدف درس پی‌گیری نمایید.

دو یار توانا

یاورانی از جنس دیگر

برای فتح قلعه‌هایی نه از نوع اورست و دماوند

فتح جایی به وسعت تمام آسمان‌ها و زمین

آن‌جا که هیچ خط پایانی بر آن نیست.

خودم را می‌شناسم

نیاز به آن دو را تا عمق جان حس می‌کنم

در زمانه‌ی تبلیغ آن‌چه بازدارنده است، در زمانه‌ای که

آن‌چه را نفس می‌پسندد،

در مقابل چشمان به نمایش می‌گذارند،

در زمانه‌ای که ماهواره و اینترنت در چنگ

ماده‌پرستان دون صفت است،

دل را چگونه می‌توان در حصار پاکی حفظ کرد؟

از که باید کمک گرفت؟

از چه باید نیرو ذخیره کرد؟

در برابر فشار سهمگین آنانی که مرا

به دون صفتی فرا می‌خوانند

چگونه می‌توان ایستاد؟

خدا،

آری خدا

خود، دستم را می‌گیرد،

هدایتم می‌کند

مشفقانه و صمیمانه مرا و دوستان مرا ندا می‌دهد:

از نماز و روزه کمک بگیرید

این‌دو، شما را چنان یآوری کنند

که در برابر طوفان‌های سهمگین هوس بایستید،

از آتش‌های افروخته‌ی شهوات عبور کنید

در پرتگاه‌های گناه قرار نگیرید

و استوار و پایدار تا فتح قلعه‌ها پیش روید

\*\*\*

روزی از روزهای ماه صیام

هنگام غروب،

سفره‌ی ساده‌ی افطاری گسترده بود،

با یک غذا،

فقیری بر در کوبید،

ای اهل خانه، آیا به خاطر خدا ما را سیر می‌کنید؟

روزه‌داران

پس از نگاهی رضایت‌مندانه به هم،

افطاری را تقدیم کردند.

روز دوم،

روز سوم

و تقدیم افطاری‌ها

آنان می‌گفتند:

ما جز برای خدا اطعام نمی‌کنیم.

خواستار هیچ پاداش و سپاسی از دیگران نیستیم.<sup>۱</sup>

درو خدا بر آنان باد.

\*\*\*

سال‌ها سپری شد

علی، امیرمؤمنان

به فرماندار خود

که بر سفره‌ی رنگین اشراف شهر نشسته بود

با تندی چنین نوشت: «...اگر می‌خواستیم،

می‌دانستیم چگونه از عسل مصفا و مغز گندم

حلوا تهیه کنیم

و لباس ابریشمی بپوشیم؛

اما هرگز هوای نفس بر من چیره نخواهد شد

و حرص، مرا با انتخاب غذاهای لذیذ نخواهد کشید.

شاید در حجاز یا یمامه

کسی حسرت گرده‌ی نانی برد

یا نتواند هرگز شکمی سیر خورد

و من سیر بخوابم

و پیرامونم شکم‌هایی باشد

از گرسنگی به پشت چسبیده

و جگرهایی از نداری سوخته...»<sup>۲</sup>

درو بر او که در تقوا برترین بود،

روزه‌داری واقعی و نماز‌گزاری حقیقی.

پی‌نوشت

۱. سوره‌ی انسان، ۸ و ۹

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی امام به عثمان بن حنیف